

Journal of Jurisprudence and Philosophical Studies
(Vol.12, No.3, Issue 47, 2021)

**A Reflection on Favorable Civil Society Based on Social Justice from the View of
*Nahj ol-Balāghah*¹**

Maryam Barahooie Jahanshahi

PhD. Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Torbat Heydariyeh Branch, Islamic Azad University, Torbat Heydariyeh, Iran. maryam.jahanshahi@gmail.com

Mansour Amiradeh Jirkoli

Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Torbat Heydariyeh Branch, Islamic Azad University, Torbat Heydariyeh, Iran (**Corresponding Author**).
dkdegch@carpin.org

Reza Hagh Panah

Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Razavi University of Sciences, Mashhad, Iran. rezaha@gmail.com

Abstract

The purpose of the present study is to reflect on favorable civil society based on social justice from the view of *Nahj ol-Balāghah*. The method of study is descriptive-analytic and it aims to find an answer for this main question: What are the criteria for the formation of favorable civil society based on social justice from the view of *Nahj ol-Balāghah*? The results of the study show that people's participation in political and social affairs, paying attention to freedom, the managers' reliance on models, and ... are among the criteria for the formation of favorable civil society. Social justice is substantiated in society when all people reach their defined right and everyone can use natural and unnatural facilities according to his/her talents and qualifications. Many social disorders and deficiencies have a root in lack of social justice. Imam 'Ali (AS) by creating a model in leadership and management in Islamic system aimed to organize the elements of government based on religiosity and meritocracy.

Keywords: Civil Society, Social Justice, Freedom, *Nahj ol-Balāghah*, Imam 'Ali (AS).

¹ **The present study is extracted from:** the Ph.D. these entitled "Social Justice from the Perspective of *Nahj ol-Balāghah* with the Approach of Political Fiqh" written by Maryam Barāhooyi, supervised by Amir Zādeh Jirakli, advised by Rezā Haq Panāh, presented at the department of Fiqh and law Principles, at Āzād University, in Torbat Heydariyeh, on March, 13th, 1401.

مطالعات فقهی و فلسفی (دوره ۱۲، شماره ۳، پیاپی ۴۷، ۱۴۰۰)

تأملی بر جامعه مدنی مطلوب مبتنی بر عدالت اجتماعی از منظر نهج البلاغه^۱

مریم براهویی جهانشاهی

دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.

maryam.jahanshahi@gmail.com

منصور امیرزاده جبرکلی

استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران (نویسنده مسئول).

dkdegch@carpin.org

رضا حق پناه

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم رضوی، مشهد، ایران. rezaha039@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر تأملی بر جامعه مدنی سیاسی مطلوب مبتنی بر عدالت اجتماعی از منظر نهج البلاغه می‌باشد. روش پژوهش توصیفی — تحلیلی بوده و به دنبال پاسخگویی به این پرسش اساسی است که شاخصه‌های تشکیل جامعه مدنی مطلوب بر مبنای عدالت اجتماعی از منظر نهج البلاغه چیست؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مشارکت مردم در امور سیاسی و اجتماعی توجه به آزادی، برابری در مقابل قانون و... از مولفه‌های شکل‌گیری جامعه مدنی مطلوب می‌باشند. عدالت اجتماعی زمانی در جامعه تحقق می‌یابد که همه مردم به حقی که برایشان تعریف شده برسند و هر کس بتواند بنا بر استعداد و شایستگی‌هایی که دارد، از امکانات طبیعی و غیرطبیعی موجود در جامعه استفاده کند. ریشه بسیاری از اختلال‌ها و بی‌نظمی‌ها و نارسایی‌های اجتماعی در عدم تحقق عدالت اجتماعی است. امام علی(ع) با الگوسازی در رهبری و زمامداری و مدیریت نظام اسلامی، به دنبال ساماندهی عناصر حکومت براساس دینداری و شایسته‌سالاری بود

کلیدواژه‌ها: جامعه مدنی، عدالت اجتماعی، آزادی، نهج البلاغه، امام علی(ع).

^۱ پژوهش حاضر برگرفته از: رساله دکتری با عنوان: عدالت اجتماعی از منظر نهج البلاغه با رویکرد فقه سیاسی، دانشجو: مریم براهویی جهانشاهی، استاد راهنما: امیرزاده جبرکلی، استاد مشاور: رضا حق‌پناه، ارائه شده در گروه فقه و مبانی حقوق، دانشگاه آزاد، واحد تربت حیدریه، ارائه شده در سال ۱۳۹۹/۱۲/۲۳ است.

۱- مقدمه

عدالت در اندیشه امام علی(ع) از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده که فراگیرترین اثر آن سازندگی و اصلاح جامعه است. از دیدگاه ایشان دورنمای عدالت در یک مجموعه بشری به نام جامعه چنین بیان شده است، عدالت که یکی از ارکان جامعه مدنی است، باید در تمام جوانب رعایت شود.

برخی پژوهش‌های مرتبط با تحقیق حاضر به شرح زیر است:

لکزایی (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان «مسائل فقه سیاسی» به تصویری از فقه سیاسی، مسائل آن و رهیافت‌های توصیفی و تجویزی آن پرداخته است.

حق پناه (۱۳۸۰)، در پژوهشی با عنوان «شایسته‌سالاری در نظام علوی»، پس از بیان مفهوم شایستگی و ضرورت اصل شایسته‌سالاری در کارها و حکومت‌ها، به رابطه تخصص و تعهد پرداخته و با استناد به سخنان مولای متقیان معیارهای شایستگی در اندیشه سیاسی امام علی(ع) را بیان داشته است.

اخوان کاظمی (۱۳۸۲)، در پژوهشی با عنوان «عدالت اجتماعی از برخی منظرهای اسلامی و غربی» به معانی عدل و عدالت اجتماعی پرداخته است.

از آنجا که دوام و بقای حکومت‌ها که رفع معضلات اجتماعی و حل و فصل دشواری‌های اجتماع فقط به واسطه آنها میسر است، به اجرای عدالت اجتماعی وابسته بوده و حکومت‌ها نیازمند قوانین و قدرت اجرایی بالا هستند، توجه به شاخص‌های حکومتی امام علی(ع) و شناخت ویژگی‌های جامعه مدنی سیاسی مطلوب از دیدگاه ایشان که خمیرمایه سیاست را عدل می‌دانند، می‌تواند برای حضور در جامعه مدنی و شناخت ارکان و عناصر آن راهگشای خوبی باشد. گرچه پژوهش‌های بسیاری در حوزه نهج‌البلاغه و عدالت اجتماعی انجام شده، لکن تحقیقی که به وضعیت مطلوب جامعه مدنی در پرتو برقراری عدالت اجتماعی پرداخته باشد، یافت نشد، لذا، تحقیق پیش‌رو از این حیث بدیع می‌باشد.

۲- مفاهیم پژوهش

۲-۱- جامعه مدنی

در تعریفی جامعه مدنی به مجموعه‌ای از سازمان‌ها و نهادها و تشکیلات غیردولتی گفته می‌شود که نقش واسطه‌گری بین افراد و گروه‌های اجتماعی دارد و از طرف دیگر واسطه‌ای بین مردم و حکومت‌ها هستند. در تعریف دیگری جامعه مدنی به حوزه‌ای در روابط اجتماعی اطلاق می‌شود که فارغ از دخالت قدرت سیاسی بوده و مجموعه‌ای از نهادها، مؤسسات، انجمن‌ها و تشکلهای خصوصی و مدنی (غیرخصوصی) را در بر می‌گیرد (بشیریه، ۱۳۷۴، ص ۳۲۹).

افلاطون بنیانگذار تفکر جامعه مدنی بوده و علت احداث مدنیت و شهر را نیازمندی‌های اقتصادی همچون خوراک، مسکن و لباس و مانند اینها می‌دانست (افلاطون، بی‌تا، ص ۱۲۰-۱۱۳). شهر و جامعه مطلوب از دیدگاه افلاطون، دارای چهار صفت حکمت، شجاعت، خویشتن‌داری و عدالت است.

در جامعه شهری افلاطون، برای زنان هم‌ردیف مردان نقش فردی و اجتماعی در نظر گرفته شد (کاپلستون، بی‌تا، ص ۲۶۴) و حضور و مشارکت تمامی افراد و طبقات را در تشکیل جامعه سالم، ضروری و لازم می‌داند. جامعه مدنی در لفظ، متشکل از جامعه و مدنی است. جامعه جمعی از افرادند که ارتباط معنادار و کنش متقابل میان آنها وجود دارد. مدنی ریشه در مدنیت و شهرنشینی جامعه مدنی داشته و عرضه‌ای برای تنظیم و تسهیل رابطه میان دولت و جامعه است.

۲-۲- ارکان جامعه مدنی

الف) قانون‌مندی: یکی از محوری‌ترین و اساسی‌ترین ویژگی‌های جامعه مدنی بوده و به مجموعه‌ای از الزامات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی اطلاق می‌گردد که در صورت احترام گذاردن و مکلف بودن انسان‌ها نسبت به آنها، جامعه قانونی تحقق می‌یابد. نقش قانون و قانون‌مندی در جامعه مدنی آنقدر مهم و ارزشی است که بدون آن نمی‌توان به سایر ویژگی‌های جامعه مدنی دست یافت (مونتسکیو، ۱۴۲۲ق).

ب) مشارکت: در جامعه مدنی مردم محور جامعه هستند و رأی و نظر مردم حکم اساسی است که سرنوشت کشور را تعیین می‌کند. مشارکت همه جانبه، جامعه مدنی را از مردم‌فریبی و مردم‌گرایی مبرا می‌کند.

ج) نظارت: در جامعه مدنی مردم می‌توانند به عنوان اساسی‌ترین مجرای مشارکت بر حکومت نظارت داشته باشند.

د) برخورد آزادانه با آراء مردم: اصل گفتگو در جامعه مدنی حق کلی مردم است (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۷۰، ص ۶۵).

و) مقصود از عدالت در جامعه مدنی فقط عدالت اقتصادی نیست، بلکه باید تمام جوانب عدالت رعایت شود.

۲-۳- مصداق جامعه مدنی

در تاریخ (جعفریان، ۱۳۶۶، ص ۱۴۳-۱۴۵) می‌خوانیم که یثرب قبل از اسلام که به تدریج اقوام گوناگونی در آن ساکن شده، به کشاورزی و دامداری و سایر مشاغل پرداختند، با رشد جمعیت و گسترش مناسبات اجتماعی به شهری تبدیل شد که به دلیل کثرت قبایل ساکن، دیگر در آن امکان برقراری امنیت، آسایش و تقسیم کار با نظام و سنت قبیله‌ای ممکن نبود و در این شرایط نمایندگان گروه‌های مختلف به این اندیشه رسیدند که یک نظام حکومتی واحد مورد قبول همه گروه‌های جامعه مدنی را برگزینند (سبحانی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۴۵۰).

به هر حال برخی اندیشمندان، مدینه النبی را الگوی جامعه فاضله می‌دانند و معتقدند که در این جامعه، بندگی خدا با حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش جمع شده است. ویژگی‌هایی که برای جامعه مدنی نبوی برشمرده شده، عبارتند از:

۱- جامعه‌ای متعهد و مسئول که قوانین مبنایی و معقول در آن وجود داشت،

۲- مردم و آراء آنها در آن جامعه جایگاه ویژه‌ای داشتند،

۳- آزادی اندیشه و بیان برای تمامی مردم وجود داشت و حقوق اساسی همه مورد احترام بود.

نظام اسلامی مدینه النبی کم و بیش در دوران خلفای راشدین استمرار یافت و بارزتر از همه حکومت علی(ع) و عدم اجبار به بیعت مخالفان و حتی تحمل عناصری چون خوارج تا قبل از خروج مسلحانه، نمونه‌های اصیلی از جامعه مدنی در صدر اسلام است (شهیدی، ۱۳۶۵، ص ۵۱). از دیدگاه جامعه مدنی، حیات سیاسی مدینه النبی(ص) با توجه به وحی و ساختار قبیله‌ای حاکم، دو عامل اساسی و الگویی متفاوت از جوامع دیگر را داشته است. مدینه الرسول(ص) ضمن تغییر عصبیت از نسب به عقیده و ایمان، الگوی حیات قبیله را در مفهوم امت حفظ نمود. امت اسلامی که در مدینه در حال رشد بود، قبیله‌ای ایمانی بود که تأثیر زیادی در تعیین الگوی حیات سیاسی در مدینه پس از پیامبر(ص) داشت (جابری، ۱۹۹۲م، ص ۵۰ - ۴۸).

۳- ویژگی‌های جامعه مدنی سیاسی مطلوب از منظر نهج البلاغه

۳-۱- مشارکت مردم در امور سیاسی و اجتماعی

امام علی(ع) به نص صریح و تأکید پیامبر اکرم(ص) رهبر جامعه بودند، ولی باز هم برای مشارکت مردم، نقش مهمی قائل بودند. ایشان یکی از ارکان مهم حکومت و جامعه مطلوب را مشورت می‌دانند. به عقیده علی(ع) مشورت، شریک شدن در عقل‌های دیگران است، زیرا استبداد رأی منتهی به هلاکت می‌شود (نهج البلاغه، قصار ۱۶۱، ص ۶۶۴). هیچ پشتیبان و تکیه‌گاهی، مطمئن‌تر از مشورت نیست (نهج البلاغه، قصار ۱۱۳، ص ۶۵۰). به اعتقاد حضرت علی(ع)، اگر رهبران جامعه بدون مشورت دست به کاری بزنند که مشورت نکردنشان موجب کندی کار یا نامطلوب انجام گرفتن کار شود و افراد شایسته به کار گرفته نشوند، این ستمگری و خیانت است. مشارکت مردم در تصمیم‌گیری در قالب مشورت یکی از رئوس سیاست‌های علی(ع) در اداره کشور بود که آن حضرت بدان بسیار پایبند بودند. بنابراین، بهترین حکومت و والاترین درایت و نیکوترین سیاست بدون حمایت و مشارکت مردم راه به جایی نخواهد برد. علی(ع) مردم را چنین می‌خواست و در این راه بسیار تلاش می‌کرد، «پس، مرا یاری کن به خیرخواهی نمودن و نصیحتی تهی از دغل و دورویی» (نهج البلاغه، کلام ۱۱۸، ص ۲۲۶). امام علی(ع) جامعه‌ای را که در آن فرهنگ مشارکت و نصیحت نباشد از رحمت و برکت به دور دانسته و فرموده است: «در مردمی که نصیحت کننده یکدیگر نیستند و نصیحت کنندگان را دوست نمی‌دارند، خیری نیست». علی(ع) مردم را چنین می‌خواست و در این راه بسیار تلاش می‌کرد و آنان را به چنین سلوکی فرامی‌خواند (ابن ابی الحدید، ۱۹۶۷م، ج ۷، ص ۲۸۴). در اصل یکصدم قانون اساسی به این امر مهم اشاره شده است.

۳-۲- پایبندی مردم و رهبران به تعهدات متقابل

به عقیده حضرت علی(ع) خداوند بین حاکمان و مردم حقوق متقابلی قرار داده و رعایت آن را بر هر کدام از طرفین واجب فرموده است (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶)، که اگر مردم قصور نمایند، مورد بازخواست قرار گرفته و عذاب دنیوی و اخروی در انتظار آنهاست و اگر رهبران به تعهدات خود عمل نکنند، مورد سؤال واقع شده و حتی عزل می‌شوند. بسیاری از وظایف رهبران همچون مبارزه با ظلم و ستم، اجرای عدالت و اداره صحیح جامعه در جهت رشد و کمال

و... در چارچوب اسلام از قبل تعیین شده و قابل تغییر نیستند و از ارکان سیستم سیاسی اسلام و حق مردم محسوب می‌شوند. اینها وظایفی است که در ذات و ماهیت حقوقی نخبگان و نظام سیاسی اسلام نهفته شده است. امیرمؤمنان(ع) رابطه زمامداران و مردمان را رابطه‌ای دو سویه براساس رابطه دو ذی‌حق می‌دانست، نگاه خودکامانه از سوی زمامداران به مردم، و نگاه مملوکانه از سوی مردم به زمامداران را بزرگ‌ترین آفت حکومت می‌دانست و در خطبه ۲۱۶ به این مسئله تأکید فراوان نموده است. ایشان این حقوق متقابل را مهم‌ترین بخش حقوق در هر جامعه‌ای معرفی کرده است که در صورت ادای حقوق متقابل، حکومت به درستی سامان می‌یابد و عزت و عافیت همه جانبه فراهم می‌شود و حق در جامعه محترم شمرده شده و مناسبات حکومتی و رفتارهای مدیریتی صحیح تحقق می‌یابد.

۳-۳- ایجاد تحولات بنیادین در جامعه

امام علی(ع) به دو طریق برای اصلاح زیربنایی ساختار جامعه اقدام نمود: اول، مبارزه با سنت‌ها و تعصبات قبیله‌ای و فرو ریختن ارزش‌هایی که با پایبندی مردم به آنها، رؤسای قبایل و فرصت‌طلبان به قدرت رسیده بودند و امام در خطبه‌های فراوانی ضمن سرزنش مردم، سعی در بیدار کردن آنها و بی‌ارزش نمودن این سنت‌های غلط داشت. در یکی از خطبه‌ها، امام(ع) ابزار دست دیگران قرار گرفتن را نشانه نادانی دانسته، می‌فرماید: «خردهایتان اندک است و سفاهت در شما نمایان، نشانه تیر بلائید و طعمه لقمه ربایان و شکار حمله کنندگان (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۴). هرچه عقل‌گرایی و رشد علمی بر جامعه حاکم شود، مردم کم‌تر مورد سوءاستفاده فرصت‌طلبان قرار می‌گیرند. روش دیگر امام برای اصلاح زیربنایی، جایگزینی ارزش‌های نوین عقلانی نشأت گرفته از دین اسلام بود. در این مرحله امام(ع) به دنبال ساختن جامعه‌ای بود که اساس آن را بصیرت، عقلانیت و علم تشکیل می‌داد، زیرا داشتن مردمانی مطیع، اما نادان که همچون گوسفند سر به زیر انداخته، به هر طرف فرمان دهند، روان شوند، در طرح جامعه ایده‌آل او خوشایند نبود. رسیدن به اهدافی معین و جامعه‌ای با سطح آگاهی بالا، اطاعتی آگاهانه می‌طلبد. اشاعه ارزش‌های عقلانی و رواج علم و علم‌گرایی (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۰۵) برای ایجاد پیش‌علمی بین مردم و زندگی روزمره آنها از تلاش‌های امام(ع) بود که مردم را از ناآگاهی و تعصبات کور برهاند و آنها سنت‌های غلط رایج را ترک کنند.

عامل دیگری که باعث عقب‌ماندگی برای رهبران و نظام سیاسی است، حاکم شدن روحیه چاپلوسی بر آنهاست، در چنین جامعه‌ای نخبگان سیاسی هیچ‌گاه واقعیت‌ها را درک نمی‌کنند و انسان‌ها عموماً تحقیر شده و گوهر عزت آنها به تاراج رفته، عرصه بر افراد شایسته تنگ شده و میدان برای افراد بی‌لیاقت باز می‌شود و جامعه به یک جامعه ظالم‌پرور و ظلم‌پذیر تبدیل می‌شود. ساختن جامعه‌ای متشکل از انسان‌هایی که عزت نفس دارند و در مقابل هیچ انسان و هیچ مقامی سر فرود نیاورند، از مهم‌ترین اهداف حضرت علی(ع) بود.

۳-۴- توجه به آزادی‌های سیاسی و اجتماعی

حضرت علی(ع) در همه امورات پس از اینکه مردم را نصیحت می‌کرد و راه صواب و ناصواب را به آنها نشان می‌داد، آنها را به تفکر فرا خوانده و می‌فرمود: «پس اگر خیری دیدید، مرا به آن یار باشید و اگر شری دیدید، از آن به کنار باشید» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۶). امام(ع) می‌خواهد مردم فکر کردن، استدلال منطقی، تصمیم‌گیری و انتخاب آگاهانه را بیاموزند، در نتیجه از اعتراض مردم و بیان نظراتشان استقبال می‌کرد و از آنها می‌خواست تا از اظهارنظر صریح و

بیان سخن حق خودداری نکنند (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶). پایبندی امام(ع) به اصول آزادی، در مورد مخالفان و حتی دشمنان آن حضرت رعایت می‌شد. بارها اتفاق افتاده بود که مخالفین امام(ع) امام را مورد توهین قرار می‌دادند، ولی حضرت با روی خوش به آنها می‌گفت: اگر مایل باشید، من حاضریم با شما بحث کنم. این اقدامات که برخی از آنها بسیار توهین آمیز بود و برخی بسیار خطرناک و تهدیدآمیز، در هیچ کدام با خشونت با آنها برخورد نمی‌کرد و آنان در کمال آزادی تمام اعمال زشتشان را مرتکب می‌شدند و سهم خود را از بیت‌المال هم تحویل می‌گرفتند و از تمام حقوق اجتماعی برخوردار بودند (صلواتی، ۱۳۶۵، ص ۱۱۴).

۳-۵- شایسته‌سالاری و لیاقت محوری

حضرت امیر(ع) برای پیاده کردن این اصل در جامعه و نظام سیاسی خود، ابتدا از خودش شروع می‌کند، با آوردن صدها دلیل عقلی و به کار گرفتن عقول مردم در اینکه آیا لایق‌تر از او برای رهبری جامعه اسلامی فردی وجود ندارد؟ از مردم می‌خواهد که به انحاء مختلف به ویژگی‌های ضروری شخص رهبر بیندیشند و اگر کسی را بهتر و شایسته‌تر از او یافتند، با او بیعت کنند. علی(ع) بر این اعتقاد است که «کار مردم جز به شایستگی زمامداران سامان نمی‌یابد» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶). همچنین ایشان در خطبه‌ای دیگر می‌فرماید: «مردم سزاوار به خلافت کسی است که بدان توانا تر باشد و در آن به فرمان خدا دانا تر» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳). عدالت در نظام سیاسی، حکم می‌کند که این اصل در تمام اجزای دستگاه سیاسی به کار گرفته شود، چون هدف نظام سیاسی اسلام اقامه عدل است. حضرت علی(ع) پس از به دست گرفتن قدرت، تقریباً تمام استانداران و کارگزاران خود را براساس همین اصل و رعایت آن انتخاب نمود و به آنها هم سفارش می‌نمود که در انتخاب کارگزاران و نیروهای خود به شایسته‌گزینی توجه داشته باشند. امام(ع) در تمام دستورات به منتخبین خود توجه به کمالات انسانی و شایستگی‌های افراد برای تصدی پست‌های جامعه را مورد توجه قرار داده است. در حقیقت امام علی(ع) انتخاب اصلح را به معنای عادلانه‌ترین طریق گزینش کارگزاران می‌داند.

۳-۶- نظارت و پاسخ‌گویی

امام علی(ع) به کنترل دقیق میزان و کیفیت کار افراد در سراسر جامعه و نظام سیاسی از بالاترین تا پایین‌ترین جایگاه، چه آشکار و چه به صورت پنهان معتقد است. آگاهی را برای محافظت در کارها لازم می‌داند تا جلوی کارهای ناشایست، خلاف قانون و منافع کشور گرفته شود. امام علی(ع) «مستی غفلت و غرور را بسیار غافل‌کننده‌تر از مستی شراب» می‌داند (خوانساری، ۱۳۶۰، ج ۴۰، ص ۱۵۵) و به همین دلیل گماشتن ناظران مخفی و نظارت مخفی و تفتیش پنهانی را در سیستم حکومتی راهی برای شناسایی ضعف‌ها و جلوگیری از ارتکاب به خلاف می‌دانست. امام(ع) در مورد نظارت بر کارگزاران دولت خطاب به مالک می‌نویسد: «پس، بر کارهای آنان مراقبت دار و جاسوسی راستگو و وفایه بر ایشان بگمار، که مراقبت نهایی تو در کارهایشان، اداره‌کننده آنهاست به رعایت امانت، و مهربانی است بر رعیت» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). غیر از نظارت شدید از جانب ناظران، حضرت علی(ع) به طور آشکارا مردم را به عنوان ناظر بر کارکرد والیان و حاکمان معرفی کرده و خطاب به مردم هر منطقه می‌فرمود، اگر حاکم شما خلافی مرتکب شد، او را اطاعت نکرده و مراتب را گزارش دهید.

۳-۷- برابری در مقابل قانون

امام(ع) خطاب به مالک می‌فرماید: «و بپرهیز از مقدم داشتن خود، در اموری که مردم در آن مساوی هستند» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). علی(ع) خود، هیچ‌گونه نابرابری و تبعیض را تحمل نمی‌کردند و گاهی شخصاً دست به کار شده و آن را از بین می‌بردند. دلیل توجه بیش از حد امام(ع) به قانون و احترام به آن و برابری همگان در مقابل قوانین برای این بود که ایشان رشد، توسعه، کمال و رستگاری جامعه را در اینگونه عمل کردن می‌دانست. در نظام حکومتی علوی قانون حرف اول را می‌زد و همه طبقات و افراد جامعه فارغ از رنگ و نژاد و حرفه و قبیله در مقابل قانون و محکمه مساوی بودند. نظام مدیریت علوی نظامی ضد استثنای بود.^۱ در جامعه‌ای که قانون فقط برای ضعیفان و بی‌پناهان اجرا شده و اقویا، منتقدین از آن مستثنی باشند، چنین جامعه‌ای روی آبادانی و سعادت را نمی‌بیند. در اصل نوزدهم قانون جمهوری اسلامی ایران نیز به حقوق مساوی همه مردم اشاره شده است، همچنان که در اصل پنجاه و نهم مراجعه به آراء عمومی مردم از طریق همه‌پرسی را راه اعمال قوه مقننه بیان نموده است.

۳-۸- دوری از خشونت و خونریزی و همزیستی مسالمت‌آمیز و حاکمیت منطق

اساس حکومت امام علی(ع) بر همزیستی مسالمت‌آمیز و منطق بود، زیرا توجه به سازندگی داخلی برای امام(ع) اهمیتی خاص داشت و می‌خواست تمام نیروها صرف اصلاح امور داخلی کشور شود که این امر فقط در سایه صلح و امنیت امکان‌پذیر است. حضرت خطاب به مالک اشتر می‌نویسد: «و از صلحی که دشمن تو را بدان خواند و رضای خدا در آن باشد روی متاب که آشتی سربازان تو را آسایش رساند و از اندوه‌هایت برهاند و شهرهایت ایمن ماند» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). از منظر امام(ع) حکومت حق ندارد به بهای ریختن خون انسان‌ها، پایه‌های خود را تحکیم بخشد. گرچه خون ناحق خود باعث سقوط حکومت می‌شود. به نظر امام علی(ع) حکومت باید از هرگونه ظلم و ستمی پرهیز کرده و هیچ‌گاه با خشونت با مردم مواجه نشود. ایشان در نامه‌ای که به حاکم فارس و شهرهای تابعه می‌نویسد، به این امر توصیه فرموده است: «کار به عدالت کن و از ستم و بیداد پرهیز، که ستم رعیت را به آلودگی وادارد و بیدادگری شمشیر را در میان آرد» (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۷۶).

اگرچه حضرت گشاده‌رویی را شیوه تغییرناپذیر برای زمامداران خود می‌داند، ولی در مواقع ضروری و در صورت لزوم اندک درشتی را نیز جایز می‌شمرد، در برابر رعیت فروتن باش و آنان را با نرم‌خویی بپذیر و با همگان یکسان رفتار کن، حتی در نگاه و اشاره چشم، در سلام کردن و اشاره کردن با همگان یکسان باش تا زورمندان در ستم تو طمع نکنند و ناتوانان از عدالت تو مأیوس نگردند» (نهج‌البلاغه، نامه ۴۶).

۳-۹- سرمشق بودن مدیران و ساده‌زیستی آنان

حضرت علی(ع) در خطبه‌ای می‌فرماید: «خدای تعالی به پیشوایان حق واجب گردانیده که خود را با مردمان تنگدست برابر نهند تا اینکه فقر و ناداری تنگدست را به هیجان نیاورد، و به طغیان نکشانند» (نهج‌البلاغه، کلام ۲۰۹، ص ۴۳۰). مطالعه و توجه به زندگی علی(ع) نشان می‌دهد که علاوه بر اینکه مال دنیا کوچک‌ترین تأثیری در روحیه ایشان نداشته

۱ - استثنای خود را بر دیگران مقدم داشتن و یا چیزی را به خود اختصاص دادن.

و نسبت به آنها بی‌اعتناء بوده و حتی دارائی‌های خود را بین فقرا تقسیم کرده و زندگی او در حدّ ضعیف‌ترین مردم جامعه بوده است. امام(ع) گاهی اموال و املاکی را که از دسترنج خود به دست می‌آورد، به امور عام المنفعه اختصاص داده یا وقف می‌کردند و این در حالی بود که در مورد پیراهن خودش می‌فرماید: «به خدا که این جامه پشمین خود را چندان پینه زدم که از پینه کننده آن شرم‌سارم» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۰).

به عقیده علی(ع) اگر گرسنه‌ای در کشور وجود داشته باشد، سزاوار است که حاکم، شب را سیر نخوابد و به فکر او باشد. از نظر علی(ع) حاکمانی که فقط به فکر دنیا بوده و به دنبال ارضاء خواسته‌های خود هستند، هیچ فرقی با چارپایان نداشته و باید روز قیامت در مقابل مردم خود پاسخ‌گو باشند. «آیا به همین رضایت دهم که مرا امیرالمؤمنین(ع) خوانند و در تلخی‌های روزگار با مردم شریک نباشم؟ چونان حیوان پرواری که تمام همّت او علف و یا چون حیوان رها شده که شغلش چریدن و پر کردن شکم بوده و از آینده خود بی‌خبر است (نهج‌البلاغه، نامه ۴۵).

از منظر امام علی(ع) مدیران و رهبران نظام اداری و سیاسی کشور باید برای مردم اسوه باشند و زندگی مادی و شخصی رهبران می‌بایستی مانند زندگی ضعیف‌ترین مردم باشد. امام علی(ع) می‌فرماید: بر رهبران حق است که در خوراک و پوشاک مانند ضعیف‌ترین مردم رفتار نموده، از هیچ چیز اضافی که آنان قادر به تهیه آن نیستند، برخوردار نباشند تا فقرا با دیدن رهبران، در آنچه هستند از خدا راضی باشند و ثروتمندان با دیدن آنان شکر و تواضع‌شان بیشتر شود (محمودی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۹).

مسلم است شاخص‌های مزبور از باب حصر نیست و تنها از باب اشاره و متناسب با دریافت نگارنده می‌باشد.

۴- عدالت اجتماعی در نهج‌البلاغه

از منظر امام(ع) عدالت اجتماعی به معنای تدبیر عمومی است (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۳۷). پاسخ آن بزرگوار راجع به تقدّم عدل بر جود و ملاک اولویت آن، نشانگر نگرش خاص امام(ع) به مسئله عدالت اجتماعی است، زیرا اگر با ملاک‌ها و معیارهای اخلاقی و فردی به این سؤال نگریسته شود، جود ارزش والایی دارد، چون فرد جواد فداکاری می‌نماید و حق مسلم خود را نثار غیر می‌کند و این نشانه کمال نفس و روح او است. اما امام(ع) به چند دلیل عدل را از جود برتر معرفی می‌نماید:

۱- عدالت است که جریان‌ها را در مجرای طبیعی خود قرار می‌دهد و با وجود عدالت استحقاق‌های طبیعی و واقعی در نظر گرفته می‌شود و مطابق استعدادها و لیاقت‌ها به افراد اعطاء می‌شود. اما جود در عین فوق‌العاده با ارزش بودن، جریانی غیرطبیعی است.

۲- عدالت قانونی عمومی است که همه اجتماع را در بر می‌گیرد، ولی بخشش حالتی استثنایی و غیر کلی است که اگر جنبه قانونی و عمومی پیدا کند، دیگر جود نیست. چه بسا فزونی یافتن جود و بخشش موازنه اجتماع را بر هم می‌زند. صدقات و نذورات بخشی از جامعه را تنبل و تن‌پرور خواهد کرد. از منظر امام علی(ع) عدل نقطه مقابل ظلم و جور است. تفکیک عدالت اجتماعی از عدالت اقتصادی یا عدالت سیاسی و اداری در سخن امام علی(ع) مشکل به نظر

می‌رسد، زیرا عنوان عدالت اجتماعی، تمام این ابعاد را به طور جامع در بر می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین اسناد تاریخی در مفهوم و سیاست‌گذاری عدالت اجتماعی، فرمان امام علی(ع) به مالک اشتر فرماندار مصر می‌باشد.

مرکزیت این فرمان در عدالت اجتماعی بوده و ابعاد چهارگانه آن عبارت است از: خداسالاری، مردم‌سالاری، شایسته‌سالاری و دیوان‌سالاری. امام علی(ع) به مالک اشتر می‌گوید: «انصاف را رعایت کن با خدا و با مردم، که اگر چنین نکنی، ستم روا داشته‌ای و کسی که به بندگان خدا ستم روا دارد، خدا به جای بندگانش دشمن او خواهد بود (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). در اینجا مردم‌سالاری و خداسالاری عدالت اجتماعی به خوبی آشکار بوده و پاسخ‌گویی به خدا و مردم اساس حکومت است. شایسته‌سالاری امام علی(ع) در لابه‌لای این کلمات به عالی‌ترین و واضح‌ترین طریق جلوه‌گر است. بدترین وزیران تو کسی است که پیش از تو وزیر بدکاران بوده و در گناهان آنان شرکت داشته، پس مبدا چنین افرادی محرم راز تو باشند، زیرا آنان یاور گناهکاران و یاری‌دهندگان ستمکاران هستند» (همان). اصل عدالت اجتماعی که امام علی(ع) از آن صحبت می‌کند، اصلی است که تمام مسلمانان را علی‌رغم تفاوت‌های فرهنگی، زبانی، نژادی جغرافیایی، در مقابل حکومت الهی و قانون یکسان می‌شمارد و هیچ کس بر دیگری برتری ندارد. در عدالت سیاسی و اقتصادی امام علی(ع) زمامداری وسیله‌ای است برای رسیدن به اهداف ارجمند، یعنی تثبیت و استقرار انسانیت بر مبنای توحید. در عدالت اجتماعی امام علی(ع)، همگی در دریافت حقوق انسانی یکسان هستند.

از منظر امام علی(ع) حکومت زمانی ارزش و اهمیت پیدا می‌کند که ابزاری برای اجرای عدالت اجتماعی باشد، وگرنه از یک کفش کهنه کم اهمیت‌تر است، در صورتی که به وسیله حکومت بتوان عدالت را در جامعه برقرار کرد، ارزش آن به حدی است که ریختن خون در راه آن حلال و بلکه اجر و پاداش عظیم اخروی خواهد داشت (نهج‌البلاغه، خطبه ۳۳).

به بیان امام علی(ع) هرگز ثروت انباشته‌ای ندیدم، مگر اینکه در کنار آن حق ضایع شده‌ای وجود داشت. آنجا که ستمی روا شده است، جود لازم است. اگر عدالت برقرار شود و هر چیز در جای خود قرار گیرد، نیاز به جود نیست. بنابراین، جود بر عدم سلامت جامعه دلالت می‌کند و نشانه فقدان اعتدال اجتماعی است، در نتیجه عدالت برتر و والاتر از جود است (شمس‌الدین، بی‌تا، ص ۴۰) و بخشش اساسی همگانی نیست، در حالی که عدل اصیل است و جامعه را به صلاح می‌آورد و سامان می‌بخشد. بنابراین، براساس نگرش اجتماعی امام علی(ع) است که عدالت‌خواهی و برپایی عدالت برتر از جود معرفی می‌شود.

همچنان که جرج جرداق در این زمینه می‌نویسد: «عدالت از نظر وی مذهب و شیوه‌ای نیست که از دیگران آموخته باشد (گرچه پس از وی این شیوه خود مکتبی شد) و برنامه‌ای نیست که سیاست فرمانروایی آن را ایجاب کرده باشد (اگرچه جزء تجزیه‌ناپذیر آن به شمار می‌رفت)، هرچند او این راه را رفت و در دل‌های همه پاکان جهان برای همیشه جای گرفت، بلکه عدالت در مکتب اخلاقی و معنوی او اصلی است که با اصول دیگری پیوند دارد و سرشتی است که ممکن نیست او خود را بر ضد آن وادارد (جرداق، ۱۹۷۰م، ج ۶، ص ۶۴).

یکی از مهم‌ترین عناصر قدرت یک کشور که هدف اساسی و مهم حکومت‌ها بوده، تأمین امنیت است و زمانی آرامش و ثبات بر جامعه حاکم می‌شود که همه با وجود عدالت اجتماعی از حکومت راضی باشند. امام علی(ع) به زیاد بن ابیه

می‌فرماید: عدالت را به کار گیر و از بی‌انصافی و ستمکاری پرهیز کن که ستم رعیت را به آوارگی می‌کشاند و بیدادگری به مبارزه و شمشیر می‌انجامد و به قیام مسلحانه وامی‌دارد. وجود بی‌عدالتی و نابرابری‌ها همیشه مهم‌ترین عامل شورش‌های مردمی بوده است. اجرای عدالت و رفتارهای عادلانه حاکمان باعث می‌شود مردم نسبت به حکومت با دیدی مثبت و امیدوارانه بنگرند و این نگاه مردم باعث اقتدار بیشتر حکومت شده و دشمنان نخواهند توانست از طریق توطئه‌ها و فتنه‌ها مردم را علیه حکومت تحریک کنند و حکومت را تضعیف نمایند. بازگرداندن بیت‌المال به صاحبان اصلی آن می‌تواند مصداقی در این مساله باشد (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵). از سخنان امام(ع) چنین استنباط می‌شود که در برقراری عدالت و عدالت‌جویی هیچ‌گونه مدارا و مصلحت‌اندیشی جایز نیست. در میان حقوق الهی بزرگ‌ترین حق، حق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر است. مردم اصلاح نمی‌شوند، مگر به اصلاح حاکمان، و حاکمان اصلاح نمی‌شوند مگر بر استقامت و پایداری مردم و... نشانه‌های عدالت برقرار و سنت پیامبر(ص) پایدار گردد (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۱۶).

۴-۱- مبانی و بایسته‌های عدالت و عدالت اجتماعی از دیدگاه نهج‌البلاغه

امام علی(ع) با نگرش توحیدی خود اساس هستی را بر محور عدالت می‌داند. جهان هستی بر پایه حق و عدالت آفریده شده و بر این دو پایه استوار است (احقاف، ۳) و حق در تفکر حضرت، عصاره عدالت و راستی است، و از این منظر معتقد بود که همین عدالت در خلقت، باید در رفتار انسان‌ها نمود پیدا کند. اینجاست که امام علی(ع) در یکی از خطبه‌هایشان چنین می‌فرماید: «خداوندی که در وعده‌های خود راستگو، و برتر از آن است که بر بندگان ستم روا دارد، میان مخلوقات به عدل و داد رفتار کرد و در اجرای احکام عادلانه فرمان داده» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۸۵). در اندیشه امام علی(ع) ایمان به خدا منبع و منشاء عدالت بوده و اوست که عدالت را در سراسر جهان هستی و بویژه در میان مردمان فرمان می‌دهد. نه تنها در آفرینش که در پاداش و کیفر دادن و رسیدگی به کارها و واکنش اعمال بندگان و شیوه حرکت مجتمع‌های انسانی همه، حق و عدالت را برقرار ساخته است.

عدل عامل هماهنگی نظام آفرینش و نگهدارنده آن است. بزرگ‌ترین عامل هماهنگ کننده نظام اجتماعی بوده که برتر از هر فضیلت و کار نیک است. در نظر امام(ع) جامعه‌ای که در آن عدل برقرار باشد، همان جامعه‌ای است که خداوند از عالمان دینی برای ساختنش عهد و پیمان گرفته است که در این میان حکومت عادلانه مهم‌ترین عنصر در تحقق چنین جامعه‌ایی است. ظلم و جور و تبعیض قادر نیست حتی روح خود ستمگر را راضی و آرام نگاه دارد. عدالت بزرگراهی است عمومی که می‌تواند همه را در خود بگنجانند و بدون مشکل عبور دهد. اما ظلم و جور کوره راهی است که حتی فرد مستمند را به مقصد نمی‌رساند (مطهری، ۱۳۵۴، ص ۱۲۸). امام علی(ع) نه تنها به اجرای عدالت اهتمام ویژه داشت، بلکه یاران و کارگزاران حکومت خود را به آن توصیه می‌فرمود: «بهترین چشم روشنی والیان، برقراری عدل در شهرهایی است که تحت حکومت آن‌هاست» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). از تأکیدهای ویژه امام علی(ع) می‌توان همان عدالتی را استنباط کرد که قرآن کریم به آن توصیه نموده است (نساء، ۵۸). از این رو است که امام(ع) قرآن را منبع عدالت می‌داند و عدل را مایه زینت و در رأس ایمان به شمار می‌آورد (معادینخواه، ۱۳۷۳).

۴-۲- راهکارهای تحقق عدالت اجتماعی

یکی از راهکارهای تحقق عدالت اجتماعی که باید قدرت‌های سیاسی به آن توجه ویژه داشته باشند، زمینه قانون‌گذاری است که توجه به دو مسئله در آن ضرورت دارد. یکی قانون و وضع قانون و دیگری اجرای قانون. فقط خداوند متعال است که می‌تواند قانون‌گذار واقعی باشد، زیرا عالم مطلق است و قانون کامل را در اختیار بشر قرار می‌دهد. چنین قانون عادلانه و کارگشایی فقط برگرفته از نظام سیاسی اسلام است. از سوی دیگر، اجرای قانون است که از نظر نظام سیاسی اسلام همه مردم در برابر قانون مساوی هستند. عدالت اجتماعی بالاترین ارزش حیاتی بشر دانسته شده و یکی از مهم‌ترین اهداف بعثت پیامبر(ص) بوده است (حدید، ۲۵). با توجه به آیات قرآن و روایات، این قوانین الهی است که به صورت عادلانه در بین همه مردم اجرا می‌شود. اندیشمندان سیاسی هر کدام راهکارهایی را برای تحقق عدالت اجتماعی بیان کرده‌اند، ولی هیچ یک به جز نظام سیاسی اسلام قادر به پاسخ‌گویی همه نیازهای بشر نبوده و نتوانسته است نظام سیاسی مطلوب را ارائه دهد که هم قوانین همه جانبه و متناسب با نیازهای بشری داشته و هم از پشتوانه اجرایی و عملیاتی خوب بهره‌مند باشد. پس، تحقق عدالت اجتماعی فقط از طریق قوانین الهی و مجریان این قوانین ممکن است.

۴-۳- زمینه‌های تحقق عدالت اجتماعی

زمینه‌های تحقق عدالت اجتماعی دو گروه است: زمینه‌هایی که هم مردم و هم زمامداران در آن دخیل هستند. دوم زمینه‌هایی که مختص به مردم است. یکی از موارد که به طور مشترک از طرف حاکمان و مردم در تحقق عدالت اجتماعی کارآمد است، دوری از هوا و هوس‌های نفسانی می‌باشد.

طبق دیدگاه علامه طباطبایی هیچ کمالی را نمی‌توان در انسان بدون حضور عدالت پیدا کرد و عدالت هم در سایه دور شدن از هوا و هوس‌های نفسانی حاصل می‌آید. پس، چنین می‌توان برداشت کرد که لازمه تحقق عدالت فردی و اجتماعی رسیدن به عدالت اخلاقی است و دیگر اینکه پیش‌زمینه عدالت اجتماعی، عدالت فردی است. تا تک‌تک افراد جامعه حتی زمامداران و رهبران اجتماعی از خواسته‌های نفسانی دوری نوزند، تحقق عدالت در مسائل اجتماعی ممکن نیست. دیگر از مواردی که به طور مشترک در تحقق عدالت اجتماعی تاثیرگذار است، پیاده کردن حکم درباره خود می‌باشد، یعنی هر کس دم از عدالت می‌زند و از دیگران انتظار عدالت را دارد، باید ابتدا از خود شروع کند. امام علی(ع) در خطبه ۱۳۷ به این مسئله اشاره فرموده‌اند که اولین گام در راه عدالت این است که قبل از اینکه دیگران را محکوم کنی، خود را محکوم بشماری و چنین رفتاری با نفی هوا و نفس میسر می‌شود.

یکی دیگر از موارد در تحقق عدالت اجتماعی، جدیت و تلاش است که هم باید در زمامداران و هم در توده مردم وجود داشته باشد. امام علی(ع) در خطبه ۲۹ نهج‌البلاغه مردمان غیر جدی و مرده صفت را اینگونه توصیف می‌کند: سخنانتان تیز، چنانکه سنگ خارا را می‌گدازد و کردارتان کند، چنانکه دشمن را درباره شما به طمع می‌اندازد. در بزم، جوینده مرد مبارزه و ستیزید و در رزم، پوینده راه گریز ... بهانه‌های نابخردانه می‌آورید و چون واهمداری که در پی مهلت، امروز و فردا می‌کنید. ایشان به عنوان نتیجه در ادامه سخنان خود می‌فرمایند: «لایدرک الحق الا بالجد»، «حق جز با کوشش به دست نمی‌آید».

چهارمین عامل در تحقق عدالت اجتماعی، وحدت و امنیت جامعه است، تنها در فضای امن و آرام است که می‌توان برای عدالت و تأمین حقوق و مطالبات اجتماعی برنامه‌ریزی کرد. امنیت ضامن تحقق همه خواسته‌های مشروع فردی و اجتماعی انسان‌ها است. امام علی(ع) در نامه ۵۹ نهج‌البلاغه، دوری از درگیری و ستیز را راهی برای احقاق حق و عدالت معرفی کرده است، زیرا درگیری هم فضای سیاسی را جهت احقاق حقوق اجتماعی متشنج می‌کند و هم امنیت روانی را دچار اختلال می‌نماید.

پنجمین عامل به عنوان زمینه مشترک تحقق در عدالت اجتماعی، رعایت حقوق یکدیگر است. شناخت حقوق یکدیگر و عمل به آن که در هر دین و مکتبی مورد توجه و تذکر است، همچنان که در خطبه ۲۱۶ نهج‌البلاغه هم به آن اشاره شده، از عوامل تحقق عدالت اجتماعی است. این تنها خطبه‌ای است که تماماً بر محور حق و حقوق مردم نسبت به یکدیگر، چگونگی مطالبه و تحقق آن، حقوق والی بر مردم، و مردم بر والی بیان شده است.

ششمین عامل در تحقق عدالت اجتماعی، احساس مسئولیت است. ظلم و ستم از جمله اموری است که باید حساسیت انسان‌ها را برانگیزد و در برابر آن واکنش‌هایی را ایجاد نماید. در حدیثی از پیامبر اکرم(ص) به اهمیت این حساسیت و دردمندی تا آن حدّ که معیار مسلمانی است، چنین اشاره شده: هر کس مظلومیت فردی را بشنود که از مسلمانان طلب کمک می‌نماید، چه مسلمان باشد یا غیر مسلمان، و جواب مثبت و سودمندی به او ندهد، از حوزه اسلام کاملاً بیرون است.

۴-۳-۱- زمینه‌های تحقق عدالت اجتماعی مربوط به مردم

مشورت مردم با حاکم و ممانعت نکردن از گفتن حرف حق به آنها، یکی از راه‌های تقویت ارکان نظام حکومتی مشورت مردم با حاکم است. همین که مردم نظر مشورتی خود را به حکومت و کارگزاران آن به طور غیر مستقیم اعلام می‌کنند، نشانگر دلبستگی آنها به نظام و حکومت است و همین‌طور اعلام آمادگی آنها برای همکاری با نظام حکومتی است. امام علی(ع) در خطبه ۲۱۶ نهج‌البلاغه به این نقش مردم اشاره می‌کند و خطاب به آنها می‌فرماید: از گفتن حق یا رأی دادن به عدالت باز نایستید. بدترین شرایط برای حاکمیت، زمانی است که مردم به حکومت اعتمادی نداشته باشند و حاضر نباشند نظر مشورتی خود را ابراز دارند. از آنجا که مردم بازوی قدرتمند حکومت هستند، حذف آنها از مجموعه نظام، شکست حکومت و نظام را در پی دارد. از این‌رو نباید مردم از هیچ نوع کمک و همکاری با حکومت مضایقه نمایند. امیرمومنان(ع) برای محکم نمودن پایه‌های حکومت اسلامی، به حضور مردم بسیار بهاء و ارزش می‌دهد. ایشان در خطبه ۱۳۶ نهج‌البلاغه برای برپایی حق و عدالت و ریشه‌کنی ظلم و فساد، صریحاً از مردم تقاضای کمک می‌نماید.

۴-۳-۲- زمینه‌های تحقق عدالت اجتماعی خاص رهبر و حاکم

دمیدن روح مساوات بین مردم و ایجاد فرصت‌های برابر میان آنها، از وظایف حاکم اسلامی است که مایه‌های دلگرمی افراد جامعه را فراهم می‌سازد و باعث شکوفا شدن عدالت در جامعه می‌شود که بهترین نمونه در عبارات پایانی خطبه ۲۰۹ نهج‌البلاغه نشان داده شد. از سوی دیگر، قاطعیت حاکم در اجرای عدالت باعث می‌شود که کسی به خود جرأت ندهد تا در محدوده حکومت او بی‌عدالتی نماید. قاطعیت در اجرای عدالت را که در مکتب علوی هرچه رابطه

نزدیک‌تر باشد، دقیق‌تر و بیشتر می‌توان دید، با توجه به داستان برخورد امام علی(ع) با برادرش عقیل به خوبی مشهود است (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۲۴). همچنین نظارت دقیق و شایسته کارگزاران و مدیران حکومتی، که این شاخصه مدیریتی جهت بررسی کیفیت انجام وظیفه کارگزاران از پایین‌ترین مراحل اجرایی حکومت تا بالاترین مناصب آن باعث می‌شود، مدیران خود را ارباب مردم ندانند و از بیت‌المال برای خود اندوخته‌ای فراهم نیاورند. از سوی دیگر، ارتباط مستقیم و نزدیک حاکم با مردم باعث علاقه‌مندی به آنها نسبت به حکومت و اطاعتشان از زمامدار و حاکم می‌شود. اگر زمامداران، مردم را در جریان تصمیمات مهم حکومتی قرار دهند و آنها را محرم راز خود بدانند، فرمانبرداری، اطاعت و تبعیت از حاکم امری ممکن خواهد شد.

۴-۴-۴- موانع اجرای عدالت

امام علی(ع) چند چیز را مانع برقراری و اجرای عدالت اجتماعی می‌داند که باید برطرف شوند تا عدالت اجتماعی تحقق پیدا کند.

۴-۴-۱- هواهای نفسانی

یکی از چیزهایی که مانع جدی برای رسیدن انسان به تکامل و عدالت است، پیروی از خواهش‌های سیری‌ناپذیر نفسانی می‌باشد. افرادی که اسیر باشند، نمی‌توانند از برخوردهای دوگانه با مردم، برخوردهای تبعیض‌آمیز با آنان و مال‌اندوزی پرهیز کنند و در نتیجه، جامعه را به بی‌عدالتی سوق داده و مانع برقراری عدالت در جامعه می‌شوند. از همین رو است که علی(ع) دوری از هوا و هوس را از ویژگی‌های فرد پرهیزگار و از نشانه‌های وجود ملکه عدالت در شخص دانسته و می‌فرماید: «عدل را بر خود گماشته و نخستین نشانه آن اینکه هوا و هوس را از دل برداشته، حق را می‌شناسد و به آن عمل می‌کند» (نهج‌البلاغه، خطبه ۸۷، ص ۶۹). حضرت در نامه‌ای به حاکم حلوان، هواهای نفسانی را مانع برقراری عدالت دانسته و می‌فرماید: «اما بعد، چون والی را هواها گونه‌گون شود، او را از بسیاری عدالت، بازدارد. پس، باید کار مردم در آنچه حق است، نزد تو یکسان باشد، که ستم را با عدل عوض ندهند» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۹، ص ۳۴۴).

۴-۴-۲- حاکم ستمگر

همان‌گونه که ذکر شد، حاکم نقش مهم و اساسی در اجرای عدالت اجتماعی دارد. بنابراین، اگر حاکم جامعه ظالم و جائز باشد، مسلم است که عدالت در آن جامعه برقرار نخواهد شد. حضرت در این زمینه می‌فرماید: «و بدترین مردم نزد خدا، رهبر ستمگری است که خود گمراه و مایه گمراهی دیگران است، که سنت پذیرفته را بمیراند، و بدعت ترک شده را زنده گرداند» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۴، ص ۱۶۸).

بی‌گمان، کسانی می‌توانند عدالت‌خواه و مجری عدالت اجتماعی باشند که خود عادل بوده و کسانی که خود پر از هواهای نفسانی هستند و از عدالت بی‌بهره‌اند، نمی‌توانند عدالت را برپا کنند، زیرا فاقد شیء نمی‌تواند معطی شیء باشد.

۴-۴-۳- عدم فرمان‌برداری از پیشوای عادل

مانع دیگری که مانع برقراری عدالت است و نمی‌گذارد که عدالت اجتماعی به طور صحیح و کامل در جامعه اجرا گردد، عدم اطاعت مردم از حاکم عادل و همکاری نکردن با او می‌باشد. حضرت در موارد متعددی مردم کوفه را در عدم همکاری در اجرای عدالت سرزنش کرده و در قسمتی از بیانات نورانی خویش می‌فرماید: «اگر خداوند، ستمگر را چند روزی مهلت دهد، از بازپرسی و عذاب او غفلت نمی‌کند، و او بر سر راه، در کمین‌گاه ستمگران است، و گلوی آنها را در دست گرفته تا از فرو رفتن آب دریغ دارد. آگاه باشید! به خدایی که جانم در دست اوست، شامیان بر شما پیروز خواهند شد، نه از آن رو که از شما به حق سزاوارترند، بلکه در راه باطلی که زمامدارشان می‌رود، شتابان فرمان بردارند و شما در گرفتن حق من سستی می‌ورزید، و هر آینه، ملت‌های جهان صبح می‌کنند، در حالی که از ستم زمامدارانشان در ترس و وحشت هستند، من صبح می‌کنم در حالی که از ستمگری پیروان خود وحشت دارم. شما را برای جهاد با دشمن برانگیختم، اما کوچ نکردید، حق را به گوش شما خواندم، ولی نشنیدید، و در آشکار و نهان شما را دعوت کردم، اجابت نکردید، پند و اندرزتان دادم، قبول نکردید. آیا حاضران غایب می‌باشید؟ و یا بردگانی در شکل مالکان؟! فرمان خدا را بر شما می‌خوانم از آن فرار می‌کنید، و با اندرزهای رسا و گویا شما را پند می‌دهم، از آن پراکنده می‌شوید (نهج‌البلاغه، خطبه ۹۷، ص ۸۸-۸۹). از منظر امام علی(ع)، حاکم اسلامی برای دستیابی به عدالت اجتماعی و برقراری عدالت در جامعه نیازمند یاران همدل و همراه است؛ یارانی که وقتی آنان را برای اجرای عدالت و یا مبارزه با عدالت ستیزان فراخواند، بی‌هیچ بهانه‌ای به گرد او حلقه زنند، دستوراتش را بشنوند و بدان جامه عمل بپوشند. ولی اگر چنین نیرویی وجود نداشت، زمینه اجرای عدالت در جامعه نخواهد بود.

۵ - نتیجه‌گیری

عدالت اجتماعی زمانی در جامعه تحقق می‌یابد که همه مردم به حقی که برایشان تعریف شده برسند و هر کس بتواند بنا بر استعداد و شایستگی‌هایی که دارد، از امکانات طبیعی و غیرطبیعی موجود در جامعه استفاده کند. ریشه بسیاری از اختلال‌ها و بی‌نظمی‌ها و نارسایی‌های اجتماعی در عدم تحقق عدالت اجتماعی است. امام علی(ع) با الگوسازی در رهبری و زمامداری و مدیریت نظام اسلامی، به دنبال ساماندهی عناصر حکومت براساس دینداری و شایسته‌سالاری بود تا از این طریق با برقراری مساوات و عدالت اجتماعی آرمان‌ها و اهداف اسلام در جامعه تحقق یابد که در چنین شرایطی طی مسیر کمال و تعالی معنوی و پیشرفت زندگی مادی و تقرّب بندگان به خدا هموار می‌شود. اجرای عدالت آثار و برکات زیادی در جامعه دارد از جمله ایجاد امنیت و... یکی از اهداف آرمانی هر جامعه، فراهم آوردن رفاه لازم برای تک‌تک آحاد جامعه است، زیرا توسعه زمانی حاصل می‌شود که علاوه بر افزایش ظرفیت‌های تولید و تعادل درآمدها، فقر و محرومیت از بین برود و این همان عدالت اقتصادی است. برابر کردن فرصت‌ها و نه برابر کردن درآمدها، می‌تواند جامعه را به رفاه نسبی برساند. فقر محصول بی‌عدالتی در توزیع فرصت‌ها است.

منابع

قرآن کریم.

- ابن ابی الحدید (۱۹۶۷م). شرح نهج البلاغه. بیروت: دارالکتب العربیه، الطبعة الثانیه، ج ۷.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۲). عدالت در اندیشه‌های سیاسی اسلام. قم: بوستان کتاب.
- افلاطون (بی تا). جمهور. ترجمه فؤاد روحانی. تهران: شرکت انتشارات علمی - فرهنگی.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی سیاسی. تهران: نشر نی، چاپ دوم.
- جابری، محمد عابد (۱۹۹۲م). العقل السياسي العربي. بیروت: مرکز الوحدة العربیه.
- جرداق، جرج (۱۹۷۰م). الامام علی صوت العدالة الانسانیه. بیروت: دارالمکتبه الحیاط، ج ۶.
- جعفریان، رسول (۱۳۶۶). تاریخ سیاسی اسلام. قم: موسسه در راه حق.
- حق‌پناه، رضا (۱۳۸۰). شایسته‌سالاری در نظام علوی. پژوهش‌های اجتماعی/اسلامی، شماره ۳۲-۳۳.
- خوانساری، سید جمال‌الدین (۱۳۶۰). شرح غررالحکم و دررالکرم. به تصحیح سید جلال‌الدین ارموی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ج ۴۰.
- دشتی، محمد (۱۳۷۹). ترجمه نهج البلاغه. قم: انتشارات مشرقین.
- سبحانی، جعفر (۱۳۶۹). فروغ ابدیت. قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۱، چاپ چهارم.
- شمس‌الدین، محمد مهدی (بی تا). دراسات فی نهج البلاغه. بیروت: دارالزهرا، چاپ دوم.
- شهیدی، سید جعفر (۱۳۶۵). تاریخ تحلیلی اسلام. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- صلواتی، محمود (۱۳۶۵). خارجی‌گری. تهران: نشر دانش.
- طباطبایی مؤتمنی، حسن (۱۳۷۰). آزادی‌های عمومی و حقوق بشر. تهران: دانشگاه تهران.
- کاپلستون، فردریک (بی تا). تاریخ فلسفه یونان و روم. ترجمه سید جمال‌الدین مجتبیوی. تهران: شرکت انتشارات علمی - فرهنگی.
- لکزایی، نجف (۱۳۸۹). طرح‌نامه فقه سیاسی. علوم سیاسی، شماره ۲۴. ص ۱۲-۲۸.
- محمودی، محمدباقر (۱۳۸۵ق). نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ج ۲.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۴). سیری در نهج البلاغه. قم: مرکز مطبوعاتی دارالتبلیغ اسلامی، چاپ دوم.
- معادینخواه، عبدالمجید (۱۳۷۳). فرهنگ تفصیلی مفاهیم نهج البلاغه. تهران: نشر ذره.
- مونتسکیو (۱۷۲۲ق). روح القوانين. ترجمه علی اکبر مهتدی. تهران: چاپ مجلس شورا.